

سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام: سلسله گفتارهای آیت‌الله سید محمد یثربی (جلد ۳)

سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام: سلسله گفتارهای حضرت آیت‌الله یثربی (جلد ۳)،
تنظیم قاسم نصیرزاده، انتشارات سیب سبز، ۱۳۹۰

آمنه علی‌جانزاده

اشاره

مطالب کتاب بر اساس سلسله گفتارهای «آیت‌الله یثربی» در تشریح «رساله حقوق» امام سجاد (ع) تدوین شده است. در جلد نخست از این کتاب درباره شانزده حق مطالبی درج گردیده که این حقوق عبارتند از: «حق الله»، «حق نفس بر انسان»، «حق زبان»، «حق گوش»، «حق چشم»، «حق پا»، «حق دست»، «حق شکم»، «حق غریزه شهوت»، «حق نماز»، «حق روزه»، «حق صدقه»، «حق حج»، «حق قربانی»، «حق فرمان روا» و «حق آموزگار»؛ و «حق مالک»، «حق رعیت»، «حق دانش آموز»، «حق همسر»، «حق برده و غلام»، «حق مادر»، «حق پدر»، «حق فرزند»، «حق برادر»، «حق مولا بر بنده آزادشده او»، «حق بنده آزادشده بر مولا»، «حق احسان کننده»، «حق مؤذن»، «حق امام جماعت»، «حق هم‌نشین»، «حق همسایه»، «حق دوست»، «حق شریک»، «حق ثروت»، «حق بیست‌انکار»، «حق معاشر»، «حق طرفین دعوا»، «حق مستشیر»، «حق مشاور»، «حق نصیحت خواه»، «حق نصیحت کننده»، «حق بزرگ‌سالان»، «حق خردسال»، «حق سائل»، «حق مسوول»، «حق شخص شادمان‌کننده»، «حق بدی‌کننده»، «حق هم‌کیش»، «حق اهل ذمه» در جلد دوم و سوم کتاب به آن پرداخته می‌شود.

در مقام قانون‌گذاری قرار می‌گیرند موظفند که قوانین الهی را کشف نموده، مقررات اجتماعی را بر اساس آن پی‌ریزی کنند و خود نیز کاملاً مطیع آن باشند. قوانین اسلام هماهنگ با فطرت است و نیازها و تمایلات انسان را در حد لازم نه کم و نه زیاد مورد توجه قرار می‌دهد و با تأمین مصالح خود و جامعه استقلال و آزادی، رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی و سیادت جامعه اسلامی در چهارچوب یک سری قوانین ثابت و متغیّر، انسان را به سوی هدف اصلی آفرینش او هدایت می‌کند.

امام علی (ع) در خطبه ۳۴

نهج‌البلاغه می‌فرماید: «مردم!

اگر من به عنوان امام و رئیس دولت، حقی بر شما دارم
شما نیز به عنوان امت حقی بر من دارید». بنابراین حقوق

یکی از مباحث مهم و ارزشمندی که در بین جوامع انسانی مطرح بوده و هست بحث حق و حقوق است که به زندگی انسان‌ها ارتباطی مستقیم داشته و از طبیعت اجتماعی بودن انسان نشأت گرفته است. دانشمندان نیز در طول قرون و اعصار، از آن سخن گفته و درباره آن کتاب‌هایی به رشته تحریر درآورده‌اند. موضوع حقوق در مکتب انبیاء الهی، به‌ویژه در مکتب اسلام مورد توجه خاص قرار گرفته است. نظام حقوقی در مکتب انبیاء، به‌ویژه در اسلام بر اصولی انسانی و الهی استوار است و اهدافی متعالی و مقدس را دنبال می‌کند. این نظام، جامعه را بر اساس کرامت استوار نموده

و بر مبنای ایدئولوژی صحیح بازسازی می‌کند. در نظام اسلامی حاکمیت از آن خداست و حتی کسانی هم که



دوجانبه است و احترام متقابل در همه جا کم و هیچ کس از این قانون مستثنی نیست. امام علی (ع) می‌فرماید: «خداوند حقوقی را برای بعضی از مردم بر بعض دیگر قرارداد و این حقوق، در مقابل یکدیگر است به طوری که برخی از آن‌ها برخی دیگر را لازم می‌کند و بعضی از آن‌ها واجب نمی‌شود مگر با به جا آوردن بعضی دیگر.»

یکی از ابعاد مبارزه پیشوای چهارم با مظالم و مفساد عصر خویش، نشر احکام اسلام و تبیین مباحث تربیتی و اخلاقی بود. امام در این زمینه گام‌های بلند و بزرگی برداشتند، به طوری که دانشمندان را به تحسین و اعجاب واداشته است. دانشمند بزرگ جهان تشیع، شیخ مفید (ره) در این زمینه می‌نویسد: «فقهای اهل تسنن به قدری علوم از او نقل کرده‌اند که به شمارش نمی‌گنجد، و مواعظ و دعاها و فضائل قرآن و حلال و حرام به حدی از آن حضرت نقل شده است که در میان دانشمندان مشهور است و اگر بخواهیم آن‌ها را شرح دهیم، سخن به درازا می‌کشد.»^۱

نمونه‌ای از تعالیم تربیتی و اخلاقی که از امام چهارم (ع) به یادگار مانده، مجموعه‌ای به نام «رسالة الحقوق» است که امام (ع) طی آن، وظایف گوناگون انسان را چه در پیشگاه خدا و چه نسبت به خویشان و دیگران، بیان نموده است. هرچند درباره حقوق از جنبه‌های مختلف قضایی و جزایی در مکتب‌های مختلف حقوقی بحث شده است و افراد برجسته‌ای از انسان‌ها راجع به حقوق فردی و اجتماعی سخن گفته و کتاب نوشته‌اند، اما می‌توان گفت که درباره حقوق فردی و اجتماعی و اخلاقی هم‌چون رساله‌ای که حضرت امام زین العابدین (ع) ایراد فرموده‌اند، به این جامعیت وجود ندارد.^۲

فی جامع الاخبار، عن علی بن الحسین علیه السلام قال «یغفر الله للمؤمنین کل ذنب و یطهر منه فی الاخره ما خلا ذنبین: ترک التقیه و تضييع حقوق الاخوان» حضرت امام زین العابدین (ع) فرمودند: «حق تعالی هر گناهی را که مؤمن مرتکب آن شده می‌آمرزد و پاک می‌شود از آن در آخرت مگر دو گناه: یکی ترک تقیه، در مواقع تقیه و دیگر ضایع ساختن حقوق برادران دینی.»

باید توجه نمود که تضييع حقوق اخوان، که دلیل بر خروج از مدار عدل و دخول در ظلمات ظلم است، موجب مفساد بزرگی می‌شود. روایت شده است: مرد مؤمن فقیری حضور مبارک حضرت موسی بن جعفر (ع) مشرف شد از آن جناب درخواست کرد که مالی به او مرحمت کند که سد فاقه او شود. حضرت به‌صورت او خندید و فرمود: از تو مسئله‌ای می‌پرسم هرگاه صواب جواب دادی، ده برابر

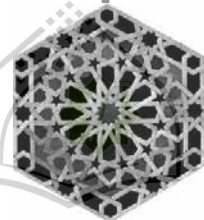
آن چه از من خواسته‌ای به تو عطا می‌کنم. آن مرد صد درهم از آن جناب خواسته بود که سرمایه خود کند و به آن معاش کند. پس آن مرد گفت: بپرس! حضرت فرمود: هرگاه به تو واگذار کنند که برای خود چیزی خواهش و تمنا نمایی، چه تمنا خواهی کرد؟ گفت: تمنا کنم که حق تعالی روزی فرماید مرا تقیه در دین، و قضای حقوق اخوان مؤمنین. فرمود: چه شد تو را که خواهش نمی‌کنی ولایت ما اهل بیت را؟ عرض کرد: به جهت آن است که این را حق تعالی به من عطا فرموده و آن را عطا نفرموده. پس من شکر می‌کنم خدا را، بر آن نعمت که به من داده و مسئلت می‌کنم از او، آنچه را که به من نداده. حضرت به او فرمود: احسنت! سپس امر فرمود که دو هزار درهم به او دهند. فرمود: این را صرف کن در مارو؛ یعنی: مارو بخر و آن را سرمایه خود کرده، به آن تجارت کن.^۳

بیان این رساله توسط امام چهارم (ع) تا حدود زیادی موقعیت و شرایط آن زمان را در ذهن خوانندگان تداعی می‌سازد. ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در یک جامعه کاملاً متأثر از یکدیگرند. امام (ع) با تدبیر و درک والا، این شرایط را به‌خوبی تشخیص داده و در جهت اهداف عالیة اسلام از آنها بهره می‌جویند. امام (ع) در این دوره سعی می‌کردند تا بصیرت و آگاهی مردم را بالا ببرند. در آن دوره قیام کربلا (به عنوان نزدیک‌ترین حادثه مهم آن زمان)، از طرفداران ائمه افرادی عاطفی ساخته بود که برای دفاع از ارزش‌های خود دست به شورش‌هایی می‌زدند؛ به همین دلیل از بسیاری از اهداف والای اسلام، هم‌چون داشتن قدرت تشخیص بالا و عمل بر اساس آگاهی و تفکر، غافل می‌شدند. شاید یکی از دلایل کناره‌گیری امام (ع) از شرکت در این فعالیت‌ها به‌طور مستقیم، همین بود؛ هرچند که سکوت امام، مهر تأییدی برای آن‌ها به‌شمار می‌آمد و در آن فضای سیاه اختناق، حتی همین مبارزات و شورش‌ها هم، نتایج کم و بیش مثبتی در بر داشت.

گفتنی است، این رساله، تقریباً تمامی اقشار و طبقات جامعه را مخاطب قرار داده است. این کلام، مبتنی است بر سرچشمه وحی و مبانی دین نورانی اسلام. رساله حقوق پیشوای چهارم حضرت امام زین العابدین (ع) حاوی پیام‌های والای انسانی برای تک افراد انسان است.

رساله الحقوق

این رساله را مرحوم «صدوق» در کتاب الخصال (ابواب الخمسین و مافوقه) مسنداً و در کتاب من لایحضره الفقیه (ج ۲، ص ۶۱۸) مرسلأ روایت کرده است. حسن بن



علی بن شعبه نیز در کتاب تحف العقول، بدون سند، ولی مسبوپتر نقل کرده است. تعداد حقوق براساس نقل صدوق، پنجاه و یک، و بر اساس روایت ابن شعبه پنجاه تا است.^۴ این رساله را امام سجاد (ع) به بعضی از یارانش نوشته و او را با کلمه «اعلم ان الله عز و جل عليك حقوقاً ...» مخاطب فرموده است. ناگفته نماند احکام و اخلاق و حکمت‌ها در آن رساله در کنار هم مطرح گردیده و روشن شده‌اند که لازم است در آنها دقت شود و مورد عمل قرار گیرد. فهرست حقوقی که امام (ع) در این رساله بیان نموده‌اند بدین شرح است: حقوق خدا، نفس انسان، گوش، چشم، دست، پا، شکم، عورت، نماز، حج، روزه، صدقه، قربانی، سلطان، معلم، مالک برده، رعیت، شاگردان، زن، برده، مادر، پدر، فرزند، برادر، آزادکننده برده، بنده آزاد شده، نیکوکار، مؤذن، پیش نماز، همنشین، همسایه، رفیق، شریک، مال، طلبکار، معاشر، خصم بر انسان، انسان بر خصم، مشورت‌کننده، رایزن، نصیحت‌خواه، نصیحت‌گو، بزرگ کوچک، سائل نیازمند، مسئول، یادکننده انسان، بدکننده، هم‌کیشان، اهل ذمه.

برخی از حقوقی را که در این رساله مطرح شده است یادآور می‌شویم:

اعلم ان الله عزوجل حقوقاً محیطه بک فی کل حرکتها او سکنه سکنتها، او حال حلتها، او منزله نزلتها، او جاریه قلبتها، او آله تصرفت فیها. فأكبر حقوق الله تبارک و تعالی عليك ما اوجب عليك لنفسه من حقه الذي هو أصل الحقوق، ثم ما اوجب الله عزوجل عليك لنفسك من قرنك إلی قدمك علی اختلاف جوارحك، فجعل عز و جل للسانك عليك حقاً، و لسمعك عليك حقاً و لبصرک عليك حقاً، و لیدک عليك حقاً، لرجلك عليك حقاً، و لبطنک عليك حقاً، و لفرجک عليك حقاً، فهذه الجوارح السبع التي بها تكون الأفعال، ثم جعل عز و جل لأفعالک عليك حقوقاً فجعل لصلاتک عليك حقاً، و لصومک عليك حقاً، و لصدفک عليك حقاً، و لهديک عليك حقاً، و لأفعلک عليك حقوقاً.

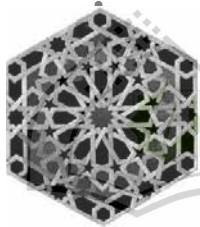
اولین حقی که در این رساله به آن پرداخته شده، حق پروردگار متعال است. فقهاء در یک تقسیم کلی حقوق را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: حق الله و حق الناس. امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله فرموده‌اند: حقوق با کثرتی که دارند بر دو قسمند: حقوق الله و حقوق الناس. «حق الناس» حق است که آن را قانون‌گذار برای فرد خاص یا افراد خاصی مقرر داشته است تا در پرتو آن حق، به منافع منظور دست یابند. «حق الله» در برابر آن قرار گرفته است و مراد از آن، حق عمومی جامعه است.

پس حقی که قانون‌گذار در رابطه با کل جامعه اسلامی و امت مسلمان قانون‌گذاری کرده است اصطلاحاً «حق الله» نامیده می‌شود. اولین صاحب حق، خداوند است؛ زیرا: ۱. اوست که انسان را آفریده و هستی‌بخش انسان است؛ ۲. حقوق دی گرهیم به حقوق خداوند بازمی‌گردد. (چرا که با ادای هر حقی، حق خداوند نیز ادا می‌شود)؛ ۳. حق خداوند به تعداد نعمت‌های اوست. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «حق خداوند اصل است و حقوق دیگران از آن سرچشمه می‌گیرد». و نیز می‌فرماید: «آگاه باش که خداوند را حقوقی است که تو را فراگرفته و در هیچ حالی از دایره حقوق او خارج نیستی». در مقابل هر نعمتی که خداوند متعال به انسان‌ها عطا می‌کند حقی بر آنها پیدا می‌کند. بزرگ‌ترین حق خداوند بر ما عبادت و اطاعت است که در مقابل بزرگ‌ترین نعمت خداوند یعنی آفرینش قرار گرفته است. فاما حق الله الاکبر عليك: فإن تعبدته لا تشرک به شيئاً، فإذا فعلت بالإخلاص جعل لك علی نفسه أن یکفیک امر الدنيا و الآخرة. امام سجاد (ع)

می‌فرماید: «حق بزرگ‌تر خداوند این است که او را عبادت کنی و چیزی را شریک او قرار ندهی». خداوند متعال، ولی مطلق است. اوست همه چیز و هیچ نیست جز او. تمام هستی، مدیون آن ذات مقدس است و هیچ کس از حیطة قدرت او خارج نیست. بر بنده است که مولای خویش را به درستی بشناسد و در زندگی از دستورات او برتابد. شکر نعمت‌ها و دوری از غفلت از یاد آن پاک‌ترین بی‌همتا، از حداقل موارد ادای حق می‌باشند.

آیت‌الله یثربی در آغاز شرح بیان این حق و رسیدن به نتیجه مطلوب و مهم آن؛ یعنی حل و فصل همه کارهای دنیا و آخرت که مطلوب همه انسان‌هاست، دو مطلب را روشن می‌کند و آن: نخست: کلمه عبادت؛ و دوم کلمه اخلاص است.^۵ وی انواع عبادت را به عبادت اختیاری و اجباری تقسیم کرده و انگیزه‌های انسان را برای عبادت، طمع، ترس از عقاب و شکرگزاری برمی‌شمرد. وی برای اخلاص آفاتی را هم‌چون عجب و ریا بیان می‌دارد.

أما حق نفسک عليك فإن تستوفیها فی طاعة الله فتؤدی إلی لسانک حقه و إلی سمعک حقه و إلی بصرک حقه و إلی یدک حقه و إلی رجلک حقه و إلی بطنک حقه و إلی فرجک حقه و تستعین بالله علی ذلك؛ و اما حق نفس خودت بر تو این است که او را به تمامی به فرمان‌برداری خدا گماری و به زبانت، حشش را بپرداز و به گوش خود، حشش را (بدهی) و به چشمت، حشش را (بسیاری) و به دستت، حشش را (واگذاری) و به پایت، حشش را (بدهی) و به شکمت، حشش را (برسانی) و



به عورت، حَقش را بپرداز و بر این (ادای حق) از خدا یاری جویی.

آیت‌الله یثربی در این بخش به ثمرات شناخت نفس می‌پردازد و خودشناسی و معرفت نفس را امری ارزشمند از نظر اولیای دین می‌داند.^۷

وَأَمَّا حَقَّ اللِّسَانِ فَأَكْرَمُهُ عَنِ الْخَيَا وَ تَعْوِيدُهُ عَلَى الْخَيْرِ وَ حَمْلُهُ عَلَى الْأَدَبِ وَ إِجْمَامُهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ الْحَاجَةِ وَ الْمَنْفَعَةِ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ إِعْفَاؤُهُ عَنِ الْفُضُولِ الشَّنْعَةِ الْقَلِيلَةِ الْفَائِدَةِ الَّتِي لَا يُؤْمِنُ صَرَرُهَا مَعَ قَلَّةِ عَائِدَتِهَا وَ يُعَدُّ شَاهِدَ الْعَقْلِ وَ الدَّلِيلَ عَلَيْهِ وَ تَزْيِينُ الْعَاقِلِ بَعْقَلَهُ حُسْنُ سِيرَتِهِ فِي لِسَانِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛
و اما حق زبان این است که آن را از دشنام‌گویی گرامی‌تر داری و به نکو گفتاری عادتش دهی و بر ادب وادارش کنی و در کامش نگهداری مگر به جای نیاز و سودبخشی برای دین و دنیا، و آن را از زیاده‌گویی مبتذل کم‌فایده که با کم سودیش از زینش نیز ایمنی نیست، بازداری، (زبان) گواه خرد و دلیل بر آن است و آراستگی خردمند به خرد خوش‌رفتاری او در حق زبان خود باشد؛ و لا قوه الا بالله العلی العظیم (هیچ نیرویی جز به خداوند والای بزرگ نیست).

امام سجاد (ع) بعد از بیان بزرگ‌ترین حق خداوند، حقوق اعضا و جوارح را بیان می‌کند که نزدیک‌ترین صاحب حق، اوست. در حقیقت انسان بین حق مالک و مملوک واقع شده است. از طرفی حق خدا (انسان، مملوک خداست) و از طرفی حق اعضای بدن (انسان، مالک اعضای بدن است). خداوند برای هر یک از اعضا، حقوقی را تعیین کرده است که هرکس آن‌ها را مراعات کند موجب سعادت اوست و هرکس مراعات نکند در آخرت برعلیه او شهادت خواهند داد.

حقوق زبان از دیدگاه امام سجاد (ع): ۱. پاک‌سازی زبان امام (ع) فرمودند: حق زبان بازداشتن و پاک نمودن آن از فحش و زشت‌گویی است. از وظایف مهم زبان است که بین افراد، رابطه برقرار کند اما مادامی که انسان، حق اول آن را ادا نکند زبان هم به طور شایسته انجام وظیفه نخواهد کرد و در نتیجه موجب بروز روابط سرد و اختلاف بین افراد می‌شود. ۲. به‌سازی زبان حق زبان، عادت دادن آن به نیک‌گویی و وادار کردنش به مؤدبانه سخن گفتن است؛ ۳. خودداری از سخنان بی‌مورد و بی‌فایده. سومین حق زبان، ساکت نمودن آن مگر به مقدار نیاز و لزوم و منفعت دین و دنیا، و بازداشتن آن از حرف‌های زائد که سودش کم و ضررش محتمل است، می‌باشد. بنای اسلام بر اعتدال و میانه روی است. اعتدال در سخن هم پسندیده

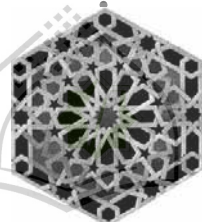
اسلام است. فرد مؤمن و مسلمان باید از حرف بی‌مورد و شوخی بی‌جا که اصلاً سود ندارد یا ضررش بیشتر است، خودداری کند. پس سخن خوب درجای عدالت، خوب و ضروری است اما غیر آن خالی از اشکال نیست. زیاده‌گویی هم عمر انسان را ضایع می‌کند و هم مجال فکر کردن را از او می‌گیرد. درحالی‌که تفکر، می‌تواند راه سعادت را بر انسان باز کند. نگارنده در این بخش به مصادیق بدزبانی پرداخته و روایاتی را در تأیید سخنان خود می‌آورد.^۸

شخصیت واقعی فرد را اوصاف ظاهری او تشکیل نمی‌دهد، بلکه افکار و اندیشه‌ها، مبین شخصیت اوست و زبان، آن را آشکار می‌کند. میدان کار زبان آن قدر وسیع است که می‌تواند انسان را به اعلی‌علیین و یا اسفل السافلین برساند. پس سخن‌گزافی نیست اگر بگوییم زبان بهترین و بدترین عضو بدن انسان است. دروغ، فحش و دشنام، غیبت، استهزاء و مسخره، سخن‌چینی، سخنان بدآموز و گمراه‌کننده، افشای سر، غنا و آواز لهوی، عیب‌جویی، مجادله، مزاح خارج از حد شرعی، سخنان بی‌مورد و بی‌فایده، قذف (نسبت زنا یا لوط به افراد)، شایعه‌سازی، وعده دروغین، شهادت بر باطل و خلاف واقع، بدعت، مدح و ستایش بی‌جا، ذم بی‌جهت، نفاق.

امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «زبان آدمیزاد هر بامداد بر تمام اعضایش حاضر می‌شود و می‌گوید: چگونه هستید؟ می‌گویند: اگر تو ما را رها کنی خوبیم و می‌گویند: به خاطر خداوند ما را در نظر بگیرید چرا که ما به سبب تو ثواب و عقاب می‌بینیم». زبان، بیشتر از سایر اعضا عذاب می‌بیند.

وَأَمَّا حَقَّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهِهُ عَنِ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقًا إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفُوهَةٍ كَرِيمَةٍ تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تَكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ يُؤَدِّي إِلَيْهِ ضُرُوبُ الْمَعَانِي عَلَى مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ و اما حق گوش این است که از هر چیز چنان پاکش داری که آن را راهی به دل خودسازی (و آن را نگشایی) مگر برای (شنیدن) سخن خوبی که در دلت خیری پدید آورد یا اخلاق والایی بدان کسب کنی، زیرا گوش دروازه سخن به سوی دل است که معانی گوناگونی را که متضمن خیر یا شر است به آن می‌رساند؛ و لا قوه الا بالله. (و نیرویی جز به خدا نیست)

امام سجاد (ع) فرمودند: حق گوش این است که آن را راه دست‌قرار ندهی مگر برای سخن و خبر مفیدی که در دست خیری پدید آورد و یا در آن، اخلاق زیبا و نیکویی ایجاد کند، چرا که گوش، دروازه دل است و هر سخن خوب یا بدی را به آن می‌رساند. شنیدن غیبت، شنیدن



غنا، استراق سمع، گوش دادن و اهمیت دادن به سخنان دروغ و شایعه، گوش دادن به سخنان بی‌فایده.

نگارنده در این بخش، در شرح این عبارات، از بخشی از خطبه متقین در نهج البلاغه شاهد می‌آورد: امام علی (ع) فرمودند: متقین دارای خصوصیتی هستند؛ از جمله این که: «وقفوا اسماعهم علی العلم النافع لهم ...» گوش خود را به روی سرچشمه‌های علوم و اندیشه باز می‌گذارند.^۹

وَأَمَّا حَقٌّ بَصْرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْأَعْتِبَارِ.

امام چهارم (ع) می‌فرماید: حق چشمت این است که آن را از نگاه کردن به چیزی که بر تو حلال نیست فرو بوشی و آن را رها نسازی مگر درجایی که عبرت‌گیری و به سبب آن بصیرت و بینایی و یا علم و دانش به دست آوری چرا که دیده، وسیله عبرت‌آموزی است.

آیت الله یثربی در این بخش مسئولیت‌هایی را برای چشم بر می‌شمرد که عبارتند از: پرهیز از نگاه حرام، عبرت‌آموزی و دانش‌اندوزی.^{۱۰}

وَأَمَّا حَقٌّ رَجُلِيكَ فَإِنَّ لَا تَمْشِي بِهِمَا إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَلَا تَجْعَلُهُمَا مَطِيئَتِكَ فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَحْفَافَةِ بِأَهْلِهَا فِيهَا فَإِنَّهَا حَامِلَتُكَ وَ سَالِكَةٌ بِكَ مَسَلِكِ الدِّينِ وَالسَّبْقِ لَكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ و اما حق دو پایت این است که با آن‌ها جز به سوی آنچه بر تو حلال است نروی و آن‌ها را مرکب خود در گام سپاری به راهی که خوارکننده رهسپار خویش است نسازی، زیرا پا بارکش (پیکر) توست و تو را در راه دین می‌برد و پیش می‌اندازد؛ و لا قوه الا بالله. (و نیرویی جز به خداوند نیست)

وَأَمَّا حَقٌّ يَدِكَ فَإِنَّ لَا تَسْبِطُهَا إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ فَنَتَالُ بِهِ مَا تَسْبِطُهَا إِلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الْعُقُوبَةَ فِي الْأَجَلِ وَ مِنَ النَّاسِ بِه لِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْعَاجِلِ وَ لَا تَقْبِضُهَا مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ لَكِنَّ تَوَقَّرَهَا بِقَبْضِهَا عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا يَحِلُّ لَهَا وَ بَسْطُهَا إِلَيَّ كَثِيرٍ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ عَقَلَتْ وَ شَرَفَتْ فِي الْعَاجِلِ وَ حَبَّ لَهَا حُسْنُ الثُّوَابِ فِي الْأَجَلِ؛ و اما حق دستت این است که آن را بر چیزی که بر تو حلال نیست دراز نکنی تا به سبب دست‌درازی بر حرام، در آخرت، دچار مجازات خدا شوی و در این جهان نیز به سرزنش مردم گرفتار آیی، و آن را از چیزهایی که خداوند بر آن واجب کرده فرو نیندی، ولی آن را با فرو بستن از بسیاری چیزها که (حتی) برایش مباح است و گشاده داشتن آن در بسیاری از مواردی که بر آن واجب نیست (ولی مستحب است)، شکوهی در افزای، و چون دست تو در این جهان بر (حرام) بسته ماند و (به حلال و

مستحب) شرف افزود (و کریم و بخشنده شد) پاداش نیک در سرای باقی بر آن واجب آید.

سرقت، محاربه با خدا و فساد در روی زمین، تجاوز به اموال دیگران و رساندن آزار و اذیت به آن‌ها، امضا و انگشت‌نگاری ناحق که همان شهادت بر باطل و دروغ است، قماربازی و ساختن ابزار و آلات آن، نواختن آلات لهو و لعب و تولید ابزار آن، نوشتن مطالب و مقالات فاسد و همراه کننده، نوشتن مطالب دروغ و غیرواقع و متهم کردن بی‌گناهان.

وَأَمَّا حَقٌّ بَطْنِكَ فَإِنَّ لَا تَجْعَلُهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَ لَا لِكَثِيرٍ وَ أَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَ لَا تَخْرُجَهُ مِنْ حَدِّ التَّقْوَى إِلَى حَدِّ التَّهْوِينِ وَ ذَهَابِ الْمُرُوَّةِ وَ ضَبْطُهُ إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَ الظَّمَا فَإِنَّ الشَّبْعَ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى التَّخَمِّ مَكْسَلَةٌ وَ مَنبِطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ عَنْ كُلِّ بَرٍّ وَ كَرَمٍ وَ إِنَّ الرِّبِّيَّ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ مَسْخَفَةٌ وَ مَجْهَلَةٌ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْمُرُوَّةِ؛ و اما حق شکمت این است که آن را ظرف کم و بیش از حرام نسازی و از حلال هم به اندازه‌اش دهی و از حد نیروبخشی به مرز شکم‌خوارگی و فقدان مردانگی‌اش نکشانی و هر گاه گرفتار گرسنگی و تشنگی شد آن را نگهداری؛ زیرا پرخوری پرخواه را به تخامه شدن کشاند که تنبلی افزا و مایه باز ماندن و دور شدن از هر کار خیر و کریمانه است، و نوشیدنی که نوشنده را به مستی رساند مایه خواری و نادان‌سازی و از



بین برنده مردانگی است.

امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «حق شکم این است که آن را محل غذای حرام چه کم باشد و چه زیاد قرارندهی و در خوردن غذای حلال میان‌روی کنی نه چنان خالی و گرسنه نگه دار که مایه خواری و بی‌مروتی شود و نه چنان پرخوری کن که مایه سنگینی و کسالت و مستی گردد که از هر کار خیر و نیک بازدارد».

امام (ع) پس از حقوق اعضای بدن، به حقوق برخی اعمال عبادی می‌پردازد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که تمامی اعمال ما، تجسمی در عالم واقع دارند. یعنی نه تنها افراد در مقابل سایر افراد، ذی‌حقوق‌اند بلکه اعمال و رفتار، نیز از حقوقی برخوردارند که سعادت ما در این دنیا در گرو ادای این حقوق، به‌نحو شایسته می‌باشد.

این حقوق عبارتند از: حق نماز، حج، روزه، صدقه و...
فَأَمَّا حَقُّ الصَّلَاةِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الدَّلِيلِ الرَّاعِبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِي الْمُسْكِنِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظِمِ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَ الْإِطْرَاقِ وَ خُسُوعِ الْأَطْرَافِ وَ لَبِنِ الْجَنَاحِ وَ حُسْنِ



الْمُنَاجَاةَ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَالطَّلْبَ إِلَيْهِ فِي فَكَاکِ رَقَبَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهَ خَطِيئَتِكَ وَاسْتَهْلَكْتَهَا ذُنُوبُكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ و اما حق نماز این است که بدانی نماز روی آوردن به درگاه خداست و تو در برابر خداوند ایستاده‌ای، پس چون این را دانستی تو را شاید که چون زبون دل داده پارسای ترسان امیدوار بیچاره زاری کننده‌ای در نماز بایستی که (بنده) با آرام گیری و سر به زیری و سرسپردگی اندام‌ها و نرمی و فروتنی (و خاکساری) به تمام وجود، آنکه را برابرش ایستاده بزرگ می‌دارد و از دل به درگاه او به خوبی راز و نیاز می‌کند و (تو) از او می‌خواهی که گردنت را از قید خطاهایی که فریاد گرفته‌اند و گناهانی که به پرتگاه نابودیت می‌کشاند رها سازد؛ و لا قوه الا بالله. (و نیرویی جز به خدا نیست)

نگارنده در این بخش، به صورت مفصل درباره جایگاه نماز و اهمیت آن، آداب و شرایط نماز، مقدمات نماز با توجه به آیات متعدد قرآنی می‌پردازد.^{۱۱}

وَأَمَّا حَقُّ الصَّوْمِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرِبَهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَ سَمِعَكَ وَ بَصَرَكَ وَ فَرْجَكَ وَ بَطْنِكَ لِيَسْتُرَكَ بِهَ مِنَ النَّارِ وَ هَكَذَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ - فَإِنَّ سَكَنَتْ أَطْرَافَكَ فِي حِجَبِهَا رَجَوْتَ أَنْ تَكُونَ مَحْجُوبًا وَ إِنْ أَنْتَ تَرَكْتَهَا تَضَطَّرَبُ فِي حِجَابِهَا وَ تَرْفَعُ جَنَابَاتِ الْحِجَابِ فَتَطَّلِعُ إِلَى مَا لَيْسَ لَهَا بِالنَّظَرَةِ الدَّاعِيَةَ لِلنِّهْوَةِ وَ الْقُوَّةَ الْخَارِجَةَ عَنْ حَدِّ التَّقِيَّةِ اللَّهُ لَمْ تَأْمَنْ أَنْ تَحْرُقَ الْحِجَابَ وَ تَخْرُجَ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ اما حق روزه این است که بدانی روزه پرده‌ای است که خداوند بر زبان و گوش و چشم و عورت و شکمت افکنده تا بدان، تو را از آتش بیوشاند؛ و همچنین در حدیث آمده است: «روزه، سپری در برابر دوزخ است.» پس اگر اندام‌هایت را در آن پرده آرام داری (و بدان در پوشانی)، امیدوار شوی که محفوظ بمانی و اگر آن‌ها را رها کردی که در پرده خود آشفستگی کنند (و تجاوز نمایند) و تو خود اطراف آن پرده را بلند کنی و بدانچه نباید نگریست به نظر شهوت‌انگیز سرکشی و به نیرویی خارج از مرز پرهیزکاری خدا سر بر آری، در امان نیستی که آن پرده دریده شود و از آن برون آفتی؛ و لا قوه الا بالله (نیرویی جز به خدا نیست).

آن‌طور که از بیان امام سجاد (ع) پیدا است، همه حیثیت و منگعتی که برای روزه متصور است، همان جنبه ایجاد مصونیت و ملکه تقوا نسبت به همه اعضا و

جوارح انسان است، چرا که هریک از این اعضا و جوارح به نحوی در معرض تحدید قرار دارند.

«فاز من غلب هواه و ملک دواعی نفسه» کسی که زمام تمایلات خود را به دست گرفت و مهار کرد، رستگار است. از این‌رو امام سجاد (ع) به حدیث نبوی تمسک فرموده‌اند که پیامبر (ص) فرمودند: «الصوم جنه من النار» روزه سپر آتش است.^{۱۲}

در ادامه رساله امام (ع) وارد جامعه انسانی به‌طور خاص می‌شوند و حقوق ظریف و مهمی را مطرح می‌نمایند که در آن دوران، شاید کمتر کسی به آن‌ها توجه می‌کرد. حقوقی از قبیل حق رعیت، همسر، والدین، مولا، عبد، اهل ذمه و...

خاتمه:

این کتاب، توسط قاسم نصیرزاده، تنظیم گشته است. ایشان انگیزه خود را از جمع‌آوری مطالب کتاب، شرکت در جلسات روزانه آیت‌الله یثربی که سرشار از محتوای فقهی و اخلاقی بود دانستند. مرحله اول کار، شامل نگارش محتوای نوارهای پخش‌شده در رادیو معارف است و مرحله دوم، استخراج منابع و مأخذ آیات و روایت است که توسط ایشان انجام گرفته است.

متن رساله حقوق امام سجاد (ع) در کتاب‌های فراوانی نقل شده است، اما مرجع نگارنده کتاب، کتاب شریف تحف العقول است.

پی‌نوشت:

۱. نک: الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۰۶
۲. نک: حقوق از دیدگاه امام سجاد علیه السلام «شرح رساله الحقوق»، مشایخی، قدرت الله، ص ۳۶
۳. ذکر تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام منتهی الآمال، قمی (ره)، عباس، ص ۶۷۹-۶۸۱
۴. زندگانی علی بن الحسین، شهیدی، سید جعفر، ص ۱۶۹-۱۸۸
۵. خاندان وحی، قریشی، سید علی اکبر، ص ۴۳۷-۴۳۸
۶. نک: سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام: سلسله گفتارهای حضرت آیت‌الله یثربی، ج ۱ ص ۳۷
۷. همو، ص ۶۴
۸. همو: صص ۸۷-۱۰۰
۹. همو، ص ۱۱۹
۱۰. همو، ص ۱۳۸-۱۴۱
۱۱. همو، ص ۲۶۳
۱۲. همو، ص ۳۳۴

